

بررسی جایگاه تفکر انتقادی در منابع دانشگاهی - مطالعاتی رشته جامعه‌شناسی

شهناز هاشمی^۱ * سمانه سادات سدیدپور^۲

چکیده

این مقاله با رویکردی کمی - کیفی در تلاش است ضمن انجام روش اسنادی - کتابخانه‌ای، با به کارگیری تکنیک تحلیل محتوا، مهم‌ترین منابع نظری رشته علوم اجتماعی را به لحاظ میزان اعتنا به تفکر انتقادی مورد بررسی قرار دهد. مطالعه حاضر از نوع بنیادی - کاربردی است. یافته‌ها نشانگر آن است که منابع، اعتقادی به تقلید صرف نداشتند، اگرچه تنها نیمی از آنها مشوق تفکر انتقادی در دانشجویان بوده‌اند. بررسی رویکرد منابع نظری ارائه شده توسط اساتید نسبت به تفکر انتقادی نشان می‌دهد: نسبت استفاده از منابع داخلی به منابع خارجی ۳ به ۸ است. بررسی نشریات نشان می‌دهد: میانگین استفاده از منابع تالیفی، با تنها ۰/۰۳ افزایش همراه بود است. نتایج پژوهش نگاه تحقیقات انجام شده در زمینه تفکر انتقادی در علوم اجتماعی را مبنی بر اینکه ظرفیت نوآوری، تنوع و ساختار شکنی در تحقیقات اجتماعی از بین رفته است، تأیید می‌کند. منابع دانشگاهی و مطالعاتی علوم اجتماعی، تفکر انتقادی را در جامعه علمی تشویق نمی‌کنند.

واژگان کلیدی: آموزش عالی، تفکر انتقادی، دانشجویان، علوم اجتماعی و منابع دانشگاهی.

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی • سال سوم • شماره دوازدهم • پاییز ۹۳ • صص ۹۷-۱۱۳

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۴/۲۸ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۶/۱۰

۱. عضو هیئت علمی پژوهشکده برنامه‌ریزی درسی و نوآوری آموزشی، مدیر گروه پژوهشی علوم انسانی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی (shahnaz_hashemi_yahoo.com).
۲. کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه الزهراء، نویسنده مسئول (sama.sadid@gmail.com).

مقدمه

سازمان نیافتگی علوم جدید در ایران، ناهماهنگی موجود بین دیدگاه‌های نظری و دست‌اندرکاران حکومتی، باقی ماندن در مرحله تئوری‌ها، هدفمند نبودن علوم (میرمتهایی و مصدق، ۱۳۷۱: ۳۰-۱۵)، تقلیدگرایی و به دنبال آن، بی‌اعتنایی به بهره‌مندی از فرصت‌ها و حوادث تاریخی (موسوی، ۱۳۸۱: ۲۶۰-۲۳۱)، عدم توجه به علائق عمومی (قانع‌راد، ۱۳۸۳: ۳۹-۵)، بی‌اعتنایی به ریشه‌های تاریخی مسائل و عدم برخورد نقادانه با اندیشه‌های گذشته (توکل و سجاسی، ۱۳۸۷: ۳۰-۱۵) نیاز به قرائت مجدد و بازاندیشی در علوم اجتماعی را به دنبال داشته است. حال آنکه علوم اجتماعی قادر است در ارتقا و توسعه نقش مؤثری ایفا کند؛ تا حدی که با ایجاد پیوند میان سیاست و علوم اجتماعی و اهمیت بخشیدن به دانشمندان این رشته و بهره‌گیری از ایشان در مسیر مثبت، می‌توان به مرز کشورهای توسعه‌یافته نزدیک‌تر شد. از طرفی می‌دانیم هر قدر جامعه‌شناسان برای امنیت، استقلال و ارتقای جامعه خویش اهمیت بیشتری قائل شوند، منزلت جامعه‌شناسی در نگاه مسئولان و مردم آن جامعه بیشتر خواهد شد. به عبارتی، چنانچه اندیشمندان علوم اجتماعی قصد تقلید از پیشینیان خود نداشته باشند، به مسائل جامعه خود پردازند و درصدد رفع آن برآیند، نه تنها موجبات تقویت این رشته را در کشور خود فراهم خواهند ساخت، بلکه در سطح جهانی نیز با استقبال اجتماع علمی رو به رو خواهند شد (شریعتی، ۱۳۸۸: ۶۷). به همین دلیل است که دانشمندان علوم اجتماعی نیاز دارند متفکرانی انتقادی و خلاق باشند تا بتوانند برای برطرف کردن مسائل، راه‌هایی نو و درخور بیابند. تفکر انتقادی این امکان را برای جامعه‌شناس فراهم خواهد ساخت تا در میان به‌هم‌ریختگی حوادث و اطلاعات به جست‌وجو پردازد.

تفکر انتقادی اصطلاح نسبتاً جدیدی است که اگرچه در قرن بیستم با کارهای جان دیویی از ۱۹۱۰ تا ۱۹۳۹ مطرح شده است، اما ریشه‌های این اصطلاح به اندیشه فلاسفه

یونان باستان از جمله سقراط، افلاطون و ارسطو برمی‌گردد. دیویی تفکر انتقادی را تنها تفکری مؤثر می‌داند که به تدریج در نیمه اول قرن بیستم، از ۱۹۴۰ تا ۱۹۶۱ توسط ادوارد گلاسر، دیوید راسل و بی‌اتانل اسمیت گسترش داده و بیان شد. اصطلاح تفکر انتقادی به معنای مورد سؤال قرار دادن بیانیه‌های دیگران است. کارهای رابرت انیس، کارل بودمن، آر. آلن، رابرت رات و ادوارد آنگلو از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۷۹ اصطلاح تفکر انتقادی را دقیق‌تر بررسی کردند و عبارت‌هایی چون «یافتن راه‌حل‌های مسئله»، «استفاده از روش‌های علمی» و «ارزیابی بیانیه‌ها» را معنای این اصطلاح دانستند. تلاش‌های رابرت انیس، جان مک‌پک، هاروی سیگل و ریچارد پل در دهه‌های پایانی قرن بیستم نشان داد که تفکر انتقادی با توان حل مسئله مرتبط است. در همین زمینه، در آسیا سید فرید و سید حسین العطاس - پیشگامان روشنفکری مالزی - با طرح مفهوم ذهن اسیر و امپریالیسم دانشگاهی، این دو عامل را به‌عنوان چالش مهم علوم اجتماعی در کشورهای نیمه پیرامونی معرفی می‌کنند. به نظر العطاس، یک پژوهشگر دانشگاهی آسیایی ممکن است آخرین اندیشه‌های غربی را به شیوه خلاق و فعال بپذیرد یا تحت تأثیر ذهنیت غیرانتقادی و تقلیدی قرار گرفته و آن ذهنیت روی فضای فکری او سنگینی کند. اگرچه کسانی که از اندیشمندان غرب تقلید می‌کنند هدفشان ساختن است، اما غالباً نتیجه ساختن، یک کاخ فکری با عظمت نیست، بلکه کلبه محقر و جدا افتاده است (قانعی راد و جوکار، ۱۳۸۸: ۳۶-۷).

تفکر انتقادی به افراد در حل مسائل و تصمیم‌گیری در موقعیت‌های زندگی و شکل‌گیری هویت و عادت‌ها با ثبات در شخص کمک می‌کند. جامعه هر قدر پویاتر باشد، نیاز به اندیشمندان انتقادی، بیشتر احساس می‌شود. جدیدترین بررسی‌ها در زمینه تفکر انتقادی نشان می‌دهد: تفکر انتقادی حلقه مفقوده برنامه‌های درسی دانشگاهی است (اطهری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۴۹-۱۰۴۰)، چنانکه متخصصان تربیتی نیز در امر تفکر انتقادی دانشجویان ابراز نگرانی کرده‌اند (خلیلی و همکاران، ۱۳۸۲: ۵۴). رشته علوم اجتماعی در ایران، از بدو توسعه خویش، با دو دیدگاه کلی اثبات‌گرایی و بینش مارکسیستی، همراه بوده است، لذا روشنفکران آشنا با علوم اجتماعی نیز با اتخاذ یکی از این دو رویکرد ایدئولوژیکی، خود به منزله آسیبی برای این علم تلقی شدند (آزاد ارمکی، ۱۳۷۸: ۲۵) و یافته‌ها حاکی از ضعف دانشجویان و مدرسان رشته مطالعات اجتماعی، از نظر تفکر انتقادی

است (نوشادی و خادمی، ۱۳۸۹: ۱۴۱). مقاله حاضر تلاش می‌کند شرایط موجود رشته علوم اجتماعی را در زمینه تفکر انتقادی بررسی نماید، با این هدف که دریابد در رشته جامعه‌شناسی در مقطع آموزش عالی، تفکر انتقادی توانسته است برای خود جایگاهی داشته باشد. از این رهگذر، بررسی نشریات و منابع نظری که در دسترس عموم دانشجویان قرار دارد مدنظر قرار گرفت تا بررسی شود که آیا تفکر غالب بر منابع رشته علوم اجتماعی تفکری انتقادی است یا به تقلید اکتفا می‌کند. بنابراین این پرسش مطرح می‌شود که جایگاه تفکر انتقادی در رشته علوم اجتماعی در ایران چگونه است. نخست، علت طرح این سؤال این است که چنانچه اندیشمندان علوم اجتماعی قصد تقلید از پیشینیان خود نداشته باشند و به مسائل جامعه خود پردازند و درصدد رفع آن برآیند، نه تنها موجبات تقویت این رشته را در کشور خود فراهم خواهند ساخت، بلکه در سطح جهانی نیز با استقبال اجتماع علمی رو به رو خواهند شد (شریعتی، ۱۳۸۸: ۶۷) و تنها دانشجویانی که تفکر انتقادی داشته باشند، می‌توانند به دنبال حل مسائل جامعه خود باشند و این منابع مطالعاتی هستند که بخش مشترک ذهنیت دانشجویان را شکل می‌دهند و اگر منابع انتخاب شده برای مطالعه دانشجویان به دنبال پرورش تفکر انتقادی در ایشان باشند، در آینده جامعه شناسانی خواهیم داشت که با خلاقیت خود، خواهان حل مسائل موجود در کشور هستند.

۱. پیشینه مطالعاتی

مطالعات داخلی مطالعات داخلی انجام شده در حوزه تفکر انتقادی در علوم اجتماعی چندان غنی نیست، اما محدود مطالعات انجام شده را می‌توان در دو گروه نظری و تجربی دسته‌بندی کرد. منظور از مطالعات نظری مطالعاتی هستند که به صورت غیر پیمایشی انجام شده‌اند و مطالعات تجربی به صورت پیمایشی اجرا شده‌اند. مطالعات نظری به نقد و بررسی مبانی فلسفی و تربیتی الگوهای الگوی آموزشی تفکر انتقادی (جهانی، ۱۳۸۱: ۵۵-۳۵)، پرورش تفکر انتقادی (شعبانی و مهرمحمدی، ۱۳۷۹: ۱۲۴-۱۱۵، ملکی و حبیبی‌پور، ۱۳۸۶: ۱۰۸-۹۳)، ضرورت تحول در آموزش (حسن‌پور و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۳-۵۲؛ سلطان‌القزایی و سلیمان‌نژاد، ۱۳۸۷: ۱۹۵-۱۸۱) اختصاص یافته‌اند و مطالعات تجربی بیشتر تفکر انتقادی را در گروه دانشجویان علوم پزشکی (بهمنی فرود و همکاران، ۱۳۸۴: ۴۱-۴۶؛ اطهری و همکاران، ۱۳۸۸: ۵-۱۲ و قریب و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۲۵-۱۳۵) و به ویژه دانشجویان پرستاری (معطری و همکاران، ۱۳۸۰: ۵۸-۶۳؛ حسینی و بهرامی، ۱۳۸۱: ۲۱-

۲۳؛ جلالی و همکاران، ۱۳۸۲: ۴۰-۳۹؛ حسن‌پور، ۱۳۸۲: ۵۳-۵۲؛ اسلامی و همکاران، ۱۳۸۳: ۲۶-۱۵؛ بابامحمدی و خلیلی، ۱۳۸۳: ۳۱-۲۳؛ شفیعی و همکاران، ۱۳۸۳: ۲۴-۲۰؛ حسن‌پور و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۶-۷؛ وقار و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۴۰-۳۳۳) بررسی کرده‌اند و تنها در معدودی از مطالعات به دانشجویان دیگر رشته‌ها چون کامپیوتر (مصلی نژاد و سبحانیان، ۱۳۸۷: ۱۳۴-۱۲۸)، حسابداری (حاجیها و شبانی، ۱۳۹۱)، تربیت بدنی (آقایی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۵)، هنر (تمنایی فر و همکاران، ۱۳۸۷: ۸۹-۷۵) زبان انگلیسی (معافیان و غنی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۱۹) و شیمی (معیرزاده، ۱۳۹۰: ۹) پرداخته شده است. از نظر این پژوهش‌ها، تفکر انتقادی با عزت نفس (برخورداری و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۹-۱۳) یادگیری مشارکتی (حسینی، ۱۳۸۸: ۲۰۸-۱۹۹)، تصمیم‌گیری (شعبانی، ۱۳۹۱: ۶۵)، سوء مصرف مواد مخدر (سهرابی و خلیلی، ۱۳۹۰: ۱۰۰)، هوش هیجانی (غنی‌زاده و معافیان، ۱۳۹۰: ۲۳-۴۸)، شادکامی و عزت نفس اجتماعی (امیرپور، ۱۳۹۱: ۱۴۳)، ارزش‌های فرهنگی جامعه (کوروش‌نیا و لطیفیان، ۱۳۹۰: ۱۳۴-۱۰۳) و سلامت روان (امین‌خندقی و پاک‌مهر، ۱۳۹۰: ۱۲۳-۱۱۴) در ارتباط است.

در مطالعات خارجی نیز طیف وسیعی از مطالعات درباره تفکر انتقادی در بخش پرستاری و مهارت انجام آن بوده است (Blondy, 2011:180-195; Hicks, 2001: 14-21; Cody, 2002:184-89; Garratt et al., 2000:327-333; Freeman & Welton, 2005:45-55; Thompson, 2010: 319-324). تعدادی از مطالعات نیز به مهارت‌های تفکر انتقادی و پرورش آن در دانشجویان، کودکان و دانش‌آموزان می‌پردازند (Torff & Warburton, 2005:155-179; Gold, 2002:371-388; Murphy, 2012:67-72). به رابطه تفکر انتقادی و درک موسیقی (Johnson, 2011: 257-272)، تصمیم‌گیری (Helsdingen et al., 2010: 537-545)، فنآوری (Dixon et al., 2005: 180-189) برون‌رفت از وضعیت‌های دشوار (Holland Wade, 1999: 92-109) اشاره دارند.

چشم‌انداز اولیه مطالعات مرتبط با تفکر نظری در داخل و خارج از کشور نشان می‌دهد که میان هدف‌گذاری مطالعات ایرانی و غیرایرانی تفاوت‌هایی وجود دارد:

۱. مطالعات داخلی بیشتر به توصیف و شناخت وضعیت موجود می‌پردازند، حال آنکه مطالعات خارجی به نحوه ایجاد و پرورش تفکر انتقادی در عمل اختصاص یافته‌اند.

۲. مطالعات داخلی بیشتر بر مطالعه دانشجویان پرستاری و علوم پزشکی متمرکز هستند، حال آنکه مطالعات خارجی اقشار گوناگون، به ویژه نوجوانان را مورد بررسی قرار داده اند.
۳. توجه ویژه به تفکر انتقادی در گروه علوم پزشکی در هر دو گروه برجسته بوده است.

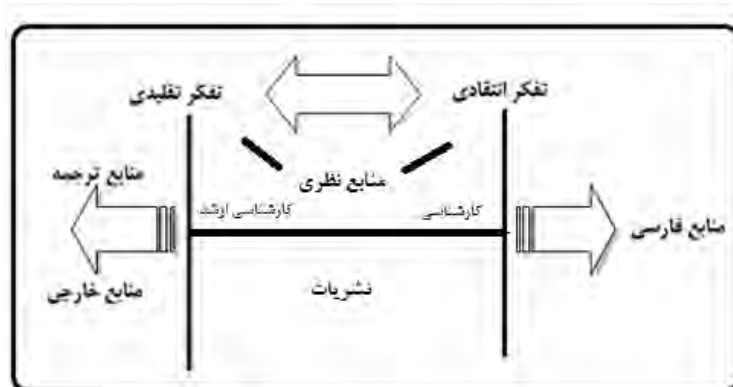
۲. روش پژوهش

مطالعه حاضر از نوع بنیادی - کاربردی و پژوهشی توصیفی - تحلیلی است. از آنجایی که این پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی صورت می گیرد، از بیان فرضیه احتراز می شود. این پژوهش با تحلیلی کمی - کیفی از جایگاه تفکر انتقادی در منابع مطالعاتی - دانشگاهی رشته جامعه‌شناسی ارائه دهد. بدین ترتیب تلاش می کند دریابد آیا منابع امروز جامعه‌شناسی در ایران به دنبال تفکر انتقادی هستند یا تقلید از بزرگان در اولویت قرار می دهد. این منابع از آن جهت با اهمیت تلقی می شوند که به عنوان رسانه‌هایی فرهنگی، زبان علوم اجتماعی هستند که به دانشجویان و نسل بعدی انتقال داده می شوند و برای ورود به عرصه‌های تخصصی خواندن آنها الزامی تلقی می شود. همچنین منابع مورد نظر، به تدریج هویت و بینش جامعه‌شناختی دانشجویانی را شکل می دهد که قصد دارند به صورت حرفه‌ای در علوم اجتماعی ادامه تحصیل دهند. نمونه‌گیری قضاوتی - احتمالی بوده است.

نظر به اینکه منابع مطالعاتی رشته جامعه‌شناسی، به ویژه منابع درسی دانشگاهی و نشریات بودند، جامعه آماری این پژوهش منابع نظری کارشناسی و کارشناسی ارشد و نشریات مطرح علوم اجتماعی هستند:

در گام اول، منابع نظری ارائه شده توسط اساتید از سایت‌های معتبر ایشان گردآوری شد و در سه قسمت منابع تألیفی، منابع ترجمه و منابع خارجی از هم تفکیک شد. میزان استفاده از منابع ترجمه و منابع خارجی به عنوان گرایش نویسندگان آنها به رویکردهای تقلیدی و میزان استفاده از منابع فارسی به عنوان رویکرد نویسندگان آنها به تفکر انتقادی در نظر گرفته شد. در مرحله بعد برای انجام این پژوهش دو گام پژوهشی در نظر گرفته شد که برای هر گام سؤالی جداگانه مطرح شد که در گام اول دانشگاه‌های مطرح رشته علوم اجتماعی به لحاظ منابع ارائه شده برای دانشجویان علوم اجتماعی توسط اعضای هیئت علمی مورد مطالعه قرار گرفتند. در بخش منابع کارشناسی ارشد پژوهش در گردآوری

داده‌ها، مهم‌ترین منابع معرفی شده برای کارشناسی ارشد در زمینه نظریه جامعه‌شناسی که مؤلف آنها نویسندگان ایرانی و خارجی بودند، از میان منابع درسی دانشگاه‌ها انتخاب شدند با این شرط که کتاب‌هایی انتخاب شوند که دانشجویان بلاشرط ملزم به مطالعه آنها هستند و قبولی دانشجویان در آزمون ورودی مقطع ارشد بدون در نظر گرفتن این منابع امکان‌پذیر نیست. این ترتیب در بخش تحلیل محتوای کیفی، در قسمت مقدمه کتاب بررسی می‌شود که آیا اساساً نویسنده تمایل به اشاعه تفکر انتقادی در دانشجویان داشته است یا صرفاً آنها به مطالعه آثار پیشگامان جامعه‌شناسی و به کارگیری نظریات آنها می‌خواهد بدون اینکه به ایشان پیاموزد در آثار ایشان تعمق کنند و نکات مثبت و منفی آن را در نظر بگیرند. در گام دوم، پرمخاطب‌ترین نشریات علوم اجتماعی که صرفاً در زمینه جامعه‌شناسی فعالیت داشتند بررسی شدند. این مهم مورد بررسی قرار گرفت که تا چه حد به منابع داخلی و تا چه حد به منابع خارجی و ترجمه در نگارش مقاله خود توجه داشته‌اند. روش گردآوری داده‌ها برای پاسخ به گام اول به این صورت بود که ضمن مراجعه به سایت دانشگاه‌ها و یا اساتید و دانشجویان این دانشگاه‌ها، از ایشان خواسته شد تا منابعی را که برای درس نظریه علوم اجتماعی مبانی نظری و یا بینش اجتماعی پیشنهاد شده است در اختیار این پژوهش قرار دهند. از میان دانشگاه‌های مورد بررسی، دانشگاه تهران، دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه الزهرا (س)، دانشگاه مشهد، دانشگاه اصفهان و دانشگاه آزاد واحد علوم - تحقیقات، منابع تدریس شده را در اختیار پژوهش قرار دادند. در این منابع تنها کتاب‌ها بررسی شد و دانشگاه‌هایی که به تدریس جزوه بسنده می‌کردند از مطالعه حذف شدند. آنها در سه بخش تألیفی، ترجمه و خارجی از هم تفکیک شدند. در بخش نشریات منابع مطالعاتی مقالات منتشر شده در شماره جاری آنها با پنج سال قبل از آن تطبیق داده شد تا بررسی گردد آیا در این مدت علوم اجتماعی با کاهش گرایش به رویکرد تقلیدی مواجه بوده است یا خیر. به این منظور هفت نشریه فصلنامه «بررسی مسائل اجتماعی ایران»، «علوم اجتماعی فردوسی مشهد»، «مجله جامعه‌شناسی ایران»، «مجله مطالعات اجتماعی ایران»، «مجله مسائل اجتماعی ایران»، «جامعه‌شناسی کاربردی» و «جامعه‌شناسی هنر و ادبیات» برگزیده شد و منابع مطالعاتی مقالات به لحاظ تعداد منابع استفاده شده تألیفی، ترجمه و خارجی و گرایش به تفکر تقلیدی و انتقادی بررسی می‌شود.



نمودار ۱. مدل مفهومی پژوهش

۳. یافته‌های پژوهش

۳-۱. منابع نظری

بررسی منابع ارائه شده در دانشگاه‌ها برای درس نظریه جامعه‌شناسی نشان می‌دهند که به غیر از دانشگاه فردوسی مشهد، در دانشگاه‌های علامه طباطبایی، تهران، تربیت مدرس، الزهرا (س)، مشهد، اصفهان و دانشگاه آزاد درصد استفاده از منابع خارجی بیش از منابع داخلی بوده است. بیشترین استفاده از منابع خارجی، در منابع درسی دانشگاه اصفهان (۹۶ درصد) و پس از آن به ترتیب در دانشگاه تربیت مدرس (۸۶/۳۶ درصد) و دانشگاه الزهرا (س) (۸۳/۳۳) دیده می‌شود. بیشترین میزان استفاده از منابع فارسی نیز برای دانشگاه مشهد (۷۰ درصد) و پس از آن دانشگاه تهران (۳۱/۶۶ درصد) و دانشگاه علامه طباطبایی (۳۰ درصد) بوده است. در دانشگاه علامه طباطبایی، منابع تدریس شده ۴۰ درصد بیشتر از منابع خارجی استفاده می‌شود. این میزان برای دانشگاه تهران ۳۶/۸۴، برای دانشگاه تربیت مدرس، برای دانشگاه اصفهان، ۹۲ درصد ۶۶/۶۷ و برای دانشگاه آزاد اسلامی است. با توجه به جدول شماره ۱، بررسی رویکرد منابع نظری ارائه شده توسط اساتید نسبت به تفکر انتقادی نشان می‌دهد که درصد استفاده از منابع داخلی (۲۷/۴۵) به منابع خارجی (۷۲/۵۴) است که به طور تقریبی می‌توان گفت: نسبت استفاده از منابع داخلی به منابع خارجی ۳ به ۸ است.

جدول ۱. بررسی رویکرد منابع نظری ارائه شده توسط اساتید نسبت به تفکر انتقادی

درصد استفاده از منابع خارجی	درصد استفاده از منابع داخلی	منابع خارجی	منابع فارسی	دانشگاه ارائه‌کننده درس نظریه
۷۰	۳۰	۱۴	۶	دانشگاه علامه طباطبایی
۶۸/۴۲	۳۱/۵۸	۲۶	۱۲	دانشگاه تهران
۸۶/۳۶	۱۳/۶۳	۳۸	۶	دانشگاه تربیت مدرس
۸۳/۳۳	۱۶/۶۶	۵	۱	دانشگاه الزهرا (س)
۳۰	۷۰	۳	۷	دانشگاه مشهد
۹۶	۴	۲۷	۱	دانشگاه اصفهان
۷۲/۶۸	۲۶/۳۲	۱۴	۵	دانشگاه آزاد اسلامی
۷۲/۵۴	۲۷/۴۵	میانگین		

به منظور بررسی رویکرد منابع نظری نسبت به تفکر انتقادی، ابتدا کتب مورد نظر در بخش مقدمه بازخوانی قرار گرفت. جملاتی که هدف نویسنده و نیت نهایی او از دانشجویان را مورد توجه قرار می‌داد طی کدگذاری چندمرحله‌ای به دست آمد و در دو گروه رویکرد تقلیدی و یا انتقادی قرار داده شدند.

بخش مقدمه به لحاظ رویکرد انتقادی و تقلیدی به این ترتیب مورد بررسی قرار گرفت: اگر نویسندگان در مقدمه کتاب یا به نوعی در متن اشاره داشتند که از نظر ایشان دانشجو باید خود نیز بیندیشد و نظرات خود را درباره تئوری‌ها بیان کند، به‌عنوان انتقادی در نظر گرفته شده. چنانچه با جملاتی به دانشجویان تنها توصیه کرده‌اند که نظریات را یاد بگیرد و لازم است بنیانگذاران را بشناسد و مطلبی در رابطه با ترغیب دانشجویان به بیان نظریات خود نداشتند به‌عنوان غیر انتقادی تلقی شده‌اند. از سوی دیگر اگر نویسندگان به تقلید صرف از نظریه‌پردازان دیگر کشورها اعتقاد داشته باشند و این امر را به دانشجویان تلقین کنند، به‌عنوان رویکرد تقلیدی و اگر از دانشجویان تنها انتظار داشته باشند که با دیدگاه‌های نظریه‌پردازان بزرگ آشنا شوند، اما اشاره مستقیمی به تقلید نداشته باشند، غیر تقلیدی در نظر گرفته شده‌اند.

با توجه به جدول شماره ۲، بررسی رویکرد منابع نظری نسبت به تفکر انتقادی مقایسه منابع نظری تألیفی ایرانی و خارجی نشان می‌دهد: مؤلفان ایرانی اگرچه به لزوم تقلید اعتقاد ندارند، اما آشنایی با نظریه‌پردازان را برای دانشجویان لازم دانسته و مطالعه آثار بنیانگذاران

جامعه‌شناسی را به لحاظ سبک نگارش و شیوه طرح مسائل حائز اهمیت می‌دانند و در رابطه با مبحث انتقاد از نظریه پردازان شهیر سیاست سکوت را ترجیح می‌دهند (مانند: آزاد ارمکی، ۱۳۸۱ و توسلی، ۱۳۸۶) حال آنکه نویسندگان خارجی در کنار نتیجه‌گیری در هر فصل ارزیابی خود یا انتقادات دیگران را نیز بیان می‌دارند و شناخت خود از وضعیت اجتماعیشان را نیز ارائه می‌دهند (مانند: اسکیدمور ۱۳۸۵؛ ریتزر، ۱۳۷۷؛ کوزر، ۱۳۸۰؛ آرون، ۱۳۶۴: ۲۹۳ و گیدنز، ۱۳۷۸).

جدول ۲. بررسی رویکرد منابع نظری نسبت به تفکر انتقادی

نام کتاب	نویسنده	مترجم	تقلید	انتقادی
نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر	جورج ریتزر	محسن ثلاثی	-	+
نظریه‌های جامعه‌شناسی	تقی آزادارمکی	-	-	+
مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی	ریمون آرون	باقر پرهام	-	+
درامدی بر مکاتب جامعه‌شناسی	غلام عباس توسلی	-	-	-
زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی	لوئیس کوزر	محسن ثلاثی	-	-
جامعه‌شناسی	آنتونی گیدنز	منوچهر صبوری	-	-

در نگاه اول به نظر می‌رسد که بیشتر کتاب‌های نظری توصیه شده برای ورود به کارشناسی ارشد رویکرد انتقادی دارند، اما خلاقیتی در آنها دیده نمی‌شود. به عنوان نمونه این کتاب‌ها تنها به دانشجویان توصیه می‌کنند به عنوان یک دانشجوی وظیفه دارند نظریات گذشتگان را به خوبی درک کنند و انتقاداتی را که بر این نظریات شده است بدانند. چنانچه افراد توانایی داشته باشند، بر آنها لازم است این نظریات را توسعه داده و با جامعه خود تطبیق دهند. در این کتاب‌ها به دانشجوی این آموزش داده نمی‌شود که بتوانند خود بیندیشد، نقد کنند و ارائه‌دهنده نظریات جدیدی باشند.

۲-۳. نشریات

بررسی نشریات مطرح علوم اجتماعی نشان می‌دهد:

- ارجاع به منابع تالیفی در مقالات علمی - پژوهشی و ارجاع به آنها در فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۶/۰ درصد کاهش داشته است. این کاهش برای مجله مسائل

بررسی جایگاه تفکر انتقادی در منابع دانشگاهی - مطالعاتی رشته جامعه‌شناسی ۱۰۷

اجتماعی ایران ۱۲/۷ و برای نشریه جامعه‌شناسی کاربردی ۲/۶ درصد بوده است، اما در دیگر نشریات استفاده از منابع تألیفی فارسی و ارجاع به آنها در مقالات علمی - پژوهشی افزایش داشته است. آمار بیانگر آن است که به ترتیب درصد افزایش ارجاع به منابع داخلی در شماره جاری نسبت به سال ۱۳۸۸، برای نشریه علوم اجتماعی فردوسی مشهد ۲/۹۷ درصد، برای مجله جامعه‌شناسی ایران ۴/۹ درصد، برای مجله مطالعات اجتماعی ایران ۲/۵۷ و برای نشریه جامعه‌شناسی هنر و ادبیات ۹/۴۶ درصد است.

- استفاده از منابع ترجمه در در نشریات علوم اجتماعی فردوسی مشهد، مجله جامعه‌شناسی ایران و مجله مطالعات اجتماعی ایران کاهش داشته و در مجله مطالعات اجتماعی ایران، جامعه‌شناسی کاربردی و جامعه‌شناسی هنر و ادبیات با افزایش همراه بوده است.

- در استفاده از منابع انگلیسی در شماره جاری فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران نسبت به سال ۱۳۸۸، ۳/۶ درصد کاهش داشته است. همچنین نشریه علوم اجتماعی فردوسی مشهد نیز با ۱/۲۸ درصد، مجله جامعه‌شناسی ایران با ۷/۷۶ درصد، مجله مطالعات اجتماعی ایران با ۷/۱۱ درصد و نشریه جامعه‌شناسی هنر و ادبیات با ۲/۴ درصد کاهش استفاده از منابع انگلیسی رو برو بوده‌اند. اما مجله مسائل اجتماعی ایران و جامعه‌شناسی کاربردی در شماره جاری خود به ترتیب ۹/۱ درصد و ۲/۴ درصد بیشتر از گذشته از منابع انگلیسی استفاده کرده‌اند.

جدول ۳. بررسی رویکرد نشریات علوم اجتماعی نسبت به تفکر انتقادی

نشریه	سال ۱۳۸۸			شماره جاری	
	منابع تألیفی	منابع ترجمه	منابع انگلیسی	منابع تألیفی	منابع ترجمه
فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران	۱۴/۷	۵/۸	۱۷/۳	۱۴/۱	۵/۸
علوم اجتماعی فردوسی مشهد	۱۱/۶	۳	۲۲/۱۴	۱۳/۵۷	۲/۲۹
مجله جامعه‌شناسی ایران	۸/۲۵	۷/۱۲۵	۲۰/۹	۱۳/۱۵	۴/۹
مجله مطالعات اجتماعی ایران	۷	۳/۷	۱۷/۴	۹/۵۷	۱۲/۱۴
مجله مسائل اجتماعی ایران	۳۰/۷	۵/۶	۱۰/۹	۱۸	۴/۳
جامعه‌شناسی کاربردی	۱۰	۲	۲۳/۲	۷/۴	۳/۲
جامعه‌شناسی هنر و ادبیات	۹/۱۴	۴/۷	۵/۳	۱۸/۶	۵/۱۴

به عبارت دیگر می‌توان گفت: استفاده نویسندگان نشریات علوم اجتماعی از منابع انگلیسی در شماره جاری به‌طور میانگین، با ۱/۲۳ درصد کاهش نسبت به سال ۱۳۸۸ رو برو بوده است. میانگین استفاده از منابع ترجمه با ۱/۰۱ درصد افزایش از سال ۱۳۸۸ نسبت به شماره جاری و میانگین استفاده از منابع تألیفی، با تنها ۰/۰۳ افزایش همراه بود است.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

یکی از آفت‌های اجتماعی که آزادی را از اجتماع علمی سلب می‌کند، فعالیت انسان‌های فاقد اندیشه انتقادی است. سالم صافی و همکاران در بررسی خود دریافتند که ۵۵/۳ درصد از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ارومیه آشنایی کمی را با روش خواندن انتقادی ذکر نموده‌اند (سالم صافی و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۲-۷۵)، پژوهش حاضر نیز نشان می‌دهد که اگرچه در نگاه اول به نظر می‌رسد منابع نظری رویکرد انتقادی دارند، اما آموزش تفکر انتقادی به دانشجویان هدف این منابع نبوده است. در نگاه قانع‌ی‌راد نیز جامعه‌شناسی در ایران یک رشته منفعل است که هوز از منابع بیرون خویش تأثیر می‌پذیرد. آثار علوم اجتماعی حتی از سوی خود اصحاب رشته نیز جدی گرفته نمی‌شود (قانع‌ی‌راد، ۱۳۸۵: ۱۲۳) و در مرحله کنونی در کنار تدریس کتاب‌های مرجع (ترجمه‌ای) باید آثار جامعه‌شناسان ایرانی نیز در کلاس‌های درس معرفی و تدریس شوند. اساتید هم باید این کتاب‌ها را بر اساس منطق فکری خود نقد کنند، چراکه نقد فضای گفت‌وگو را توسعه می‌دهد (همان: ۱۲۳ و ۲۸۹). از سویی جامعه‌شناسان ایرانی نباید در پی یک توافق زودرس باشند و از جدال‌های پیش‌الگویی کناره‌گیری کنند. اما پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در منابع تدریس، نظریه علوم اجتماعی به دانشجویان آموزش داده نمی‌شود که بتوانند خود بیندیشند، نقد کنند و ارائه‌دهنده نظریات جدیدی باشند. این کتاب‌ها تنها به دانشجویان توصیه می‌کنند که به‌عنوان یک دانشجوی وظیفه دارند نظریات گذشتگان را به خوبی درک کنند و انتقاداتی را که بر این نظریات شده است بدانند. خان دیزجی در پژوهش خود به این نکته اشاره دارد که ظرفیت‌های نوآوری، تنوع و ساختارشکنی در تحقیقات اجتماعی از بین رفته است (خان دیزجی، ۱۳۹۰: ۱۲۵). پژوهش حاضر نیز این مطلب را تأیید می‌کند. بر مبنای نتایج بررسی انجام گرفته، نویسندگان منابع نظری در علوم اجتماعی اگرچه تلاش کرده‌اند خود را متفکرانی منتقد معرفی کنند، اما در عمل به تقلید علمی اکتفا کرده‌اند. در چنین شرایطی کارشناسانی خواهیم داشت که با وجود آگاهی از مسائل نظری، از حل

مسئله خود و جامعه عاجز هستند. این درحالی است که جامعه علمی ما نیازمند نگاهی نو در اندیشه تربیتی دانشجویان و اساتید است.

گام اول داشتن دانشجویانی متفکر و منتقد، بازنگری در منابع مطالعاتی دانشجویان است. این کتاب‌ها می‌توانند به صورتی نوشته شوند که دانشجویان به تفکر تشویق شوند. بنابراین نویسندگان ما لازم است خود را باور کنند تا قدرت داشته باشند دیگران را به خودباوری تشویق کنند. عدم خودباوری از خلال متن این کتاب‌ها به خوبی برمی‌آید؛ هیچ کدام از نویسندگان ایرانی تلاش نکرده‌اند تا نظریه‌ای از خود و یا حداقل نقدی از خود برای نظریات پیشینیان بنویسند. این نوع نگاه در کتب و منابع نظری، تفکر انتقادی را در جامعه علمی سرکوب می‌کنند و مادامی که منابع آموزشی به دنبال تشویق اندیشه نقادانه نباشند، نمی‌توان از دانشجویان انتظار داشت مستقل و خلاق عمل کنند. پیشنهاد می‌شود در برنامه‌ریزی‌های آموزشی، استفاده و نگارش منابع بیشتر ایرانی - اسلامی و استفاده آنها در تدریس جامعه‌شناسی در دستور کار قرار گیرد. اما انجام این پژوهش با محدودیت‌هایی نیز روبرو بوده است که از آن جمله می‌توان به در دسترس نبودن طرح درس تمام دانشگاه‌ها و همچنین عدم توافق به دست یافتن به معیاری مطلوب برای سنجش محتوایی منابع در تفکر انتقادی اشاره کرد. پیشنهاد می‌شود در تحقیقات بعدی به مسئله تفکر انتقادی منابع درسی رشته‌های مختلف و همچنین مقایسه آن با منابع تدریس دیگر کشورها پرداخته شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۷۸). جامعه‌شناسی در ایران. تهران: نشر کلمه
۲. آقایی، نجف و همکاران (۱۳۹۱). «مقایسه ارتباط بین تفکر انتقادی و پیشرفت تحصیلی در دانشجویان کارشناسی تربیت بدنی و غیر تربیت بدنی دانشگاه بوعلی سینا همدان»، نشریه پژوهش‌های مدیریت ورزشی و علوم حرکتی، شماره ۴.
۳. اسلامی اکبر، رسول و همکاران (۱۳۸۳). «مقایسه توانایی تفکر انتقادی دانشجویان پرستاری ترم‌های اول و آخر و پرستاران بالینی»، نشریه پرستاری ایران؛ ۱۷ (۳۹): ۲۹-۱۵.
۴. اطهری، زینب‌السادات و همکاران (۱۳۸۸). «ارزیابی مهارت‌های تفکر انتقادی و ارتباط آن با رتبه آزمون سراسری ورود به دانشگاه در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان»، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی؛ ۹ (۱): ۱۲-۵.
۵. امیرپور، برزو (۱۳۹۱). «رابطه تفکر انتقادی و ابعاد آن با شادکامی و عزت نفس اجتماعی دانشجویان»، فصلنامه راهبردهای آموزش، شماره ۱۷: ۱۴۳.
۶. امین خندقی، مقصود و حمیده پاک مهر (۱۳۹۰). «ارتباط بین سلامت روان و تفکر انتقادی دانشجویان»، دانشگاه علوم پزشکی مشهد اصول بهداشت روانی؛ ۱۳ (۲): ۱۱۴-۱۲۳.
۷. بابامحمدی، حسن و حسین خلیلی (۱۳۸۳). «مهارت‌های تفکر انتقادی دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی سمنان»، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی؛ ۴ (۲): ۳۱-۲۳.
۸. برخوردار، معصومه و همکاران (۱۳۸۸). «ارتباط گرایش به تفکر انتقادی و عزت نفس در دانشجویان پرستاری»، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی؛ ۹ (۱): ۱۹-۱۳.
۹. بهمنی، فرود و همکاران (۱۳۸۴). «مهارت‌های تفکر انتقادی دانشجویان علوم پایه دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در مواجهه با متون علمی»، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی؛ ۵ (۲): ۴۶-۴۱.
۱۰. تمنایی‌فر، محمدرضا و همکاران (۱۳۸۷). «بررسی مقایسه‌ای تفکر انتقادی و خودکارآمدی دانشجویان رشته‌های هنری و غیرهنری»، پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۲ (۴): ۸۹-۷۵.
۱۱. جلالی، شیدا و همکاران (۱۳۸۲). «بررسی تأثیر مهارت‌های تفکر انتقادی مدرسین در استفاده از راهبردهای آموزشی دانشجویان در تدریس دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه آزاد تهران»، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، شماره ۳ (ویژه‌نامه ۱۰): ۴۰-۳۹.
۱۲. جهانی، جعفر (۱۳۸۱). «نقد و بررسی مبانی فلسفی الگوی آموزشی تفکر انتقادی ماتیو لیپمن»، علوم انسانی الزهرا تابستان ۱۳۸۱، ۱۲ (۴۲): ۵۵-۳۵.
۱۳. حاجیها، زهره و حبیب‌شانی (۱۳۹۱). «تفکر خلاق و انتقادی در حسابداری اسلامی»، مجله پژوهش حسابداری، شماره ۵: ۵۹.
۱۴. حسن‌پور، مرضیه (۱۳۸۲). «تفکر انتقادی در آموزش پرستاری»، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، شماره ۳ (ویژه‌نامه ۱۰): ۵۳-۵۲.
۱۵. حسن‌پور، مرضیه و همکاران (۱۳۸۴). «تفکر انتقادی در آموزش پرستاری»، نشریه پرستاری

- ایران، شماره ۱۸ (۴۱-۴۲): ۷-۱۶.
۱۶. حسینی، زهرا (۱۳۸۸). «یادگیری مشارکتی و تفکر انتقادی»، روانشناسی تحولی (روانشناسان ایرانی)، بهار ۱۳۸۸، شماره ۵ (۱۹): ۱۹۹-۲۰۸.
۱۷. حسینی، سیدعباس و مسعود بهرامی (۱۳۸۱). «مقایسه تفکر انتقادی در دانشجویان سال اول و سال آخر کارشناسی»، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، شماره ۲ (۶) ویژه‌نامه دانشکده پرستاری و مامایی: ۲۱-۲۶.
۱۸. خان دیزجی، امیرحسین (۱۳۹۰). «رویکردی انتقادی به پایان‌نامه‌های جامعه‌شناسی در ایران». راهبرد فرهنگ، شماره چهاردهم و پانزدهم، تابستان و پاییز ۱۳۹۰: ۱۱۵-۱۳۹.
۱۹. خلیلی، حسین و همکاران (۱۳۸۲). «مقایسه تأثیر دو روش آموزش کلاسیک و مبتنی بر استراتژی‌های تفکر انتقادی بر میزان یادگیری پایدار دانشجویان پرستاری». کومش پاییز و زمستان، شماره ۵ (ویژه‌نامه آموزش پزشکی): ۵۳-۶۳.
۲۰. رحیمی سجاسی، مریم و محمد توکل (۱۳۸۷). عوامل مؤثر بر فقر نظریه پردازی در ایران، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا (س).
۲۱. سالم صافی، رضا و همکاران (۱۳۸۹). «بررسی شیوه‌های مطالعاتی و منابع درسی مطالعاتی مورد استفاده دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ارومیه در سال ۸۵»، مجله دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه، ۸ (۲): ۷۵-۸۲.
۲۲. سلطان‌القرایی، خلیل و اکبر سلیمان نژاد (۱۳۸۷). «تفکر انتقادی و ضرورت آموزش آن در کلاس درس»، تربیت اسلامی، ۳ (۶): ۱۸۱-۱۹۵.
۲۳. سهرابی، فرامرز و افسر خلیلی (۱۳۹۰). «بررسی اثربخشی آموزش تفکر انتقادی بر نگرش کلی دانش‌آموزان نسبت به سومصرف مواد مخدر»، فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی، شماره ۲۳: ۱۰۰.
۲۴. شریعتی، سارا (۱۳۸۸). «یک جامعه‌شناسی برای یک جهان»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره سوم، شماره ۱.
۲۵. شعبانی حسن و محمود مهرمحمدی (۱۳۷۹). «پرورش تفکر انتقادی با استفاده از شیوه آموزش مسئله محور»، مدرس علوم انسانی بهار، ۴ (۱۱ پاییزی): ۱۱۵-۱۲۴.
۲۶. شعبانی، زهرا (۱۳۹۱). «مقایسه تأثیر تفکر انتقادی بر فرایند تصمیم‌گیری در نخبگان علمی، اجتماعی»، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، شماره ۱۰: ۶۵.
۲۷. شفیعی، شهلا و همکاران (۱۳۸۳). «ارزشیابی مهارت‌های تفکر انتقادی در دانشجویان پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی زاهدان، سال ۱۳۸۰»، طب و تزکیه، شماره ۵۳: ۲۴-۲۰.
۲۸. غنی‌زاده، افسانه و فاطمه معافیان (۱۳۹۰). «بررسی رابطه بین تفکر انتقادی و هوش هیجانی دانشجویان زبان انگلیسی»، زبان‌شناسی کاربردی، سال چهاردهم، شماره ۱: ۲۳-۴۸.
۲۹. قانع‌راد، محمدمامین (۱۳۸۳). «گفت‌وگوهای پیش‌الگویی در جامعه‌شناسی ایران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۱: ۳۹-۵.
۳۰. قانع‌راد، محمدمامین و مریم جوکار (۱۳۸۸). «علوم اجتماعی مستقل / دگرواره و عینیت چندگانه»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره سوم، شماره ۱.

۳۱. قریب، میترا و همکاران (۱۳۸۸). «مهارت‌های تفکر انتقادی و گرایش به تفکر انتقادی در دانشجویان ترم اول و آخر مدیریت خدمات بهداشتی - درمانی»، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ۹ (۲) (پیاپی ۲۲): ۱۳۵-۱۲۵.
۳۲. کورش‌نیا، مریم و مرتضی لطیفیان (۱۳۹۰). «بررسی رابطه بین ارزش‌های فرهنگی جامعه و گرایش‌های تفکر انتقادی دانشجویان با واسطه‌گری ابعاد الگوهای ارتباطات خانواده و استادان»، دوفصلنامه مطالعات آموزش و یادگیری، شماره ۶۱: ۱۳۴-۱۰۳.
۳۳. کوزر، لویس (۱۳۸۰). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
۳۴. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). سیاست، جامعه‌شناسی و نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۳۵. مصلی‌نژاد، لیلی و سعید سبحانیان (۱۳۸۷). «بررسی تفکر انتقادی در دانشجویان آموزش مجازی و سنتی رشته کامپیوتر»، گام‌های توسعه در آموزش پزشکی، ۵ (۲): ۱۳۴-۱۲۸.
۳۶. معطری مرضیه و همکاران (۱۳۸۰). «تأثیر بازانديشي بر مهارت‌های تفکر انتقادی دانشجویان پرستاری شهرستان تبریز»، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ۱ (۴) (پیاپی ۴): ۶۳-۵۸.
۳۷. معیرزاده، مریم (۱۳۹۰). «تفکر انتقادی و آموزش شیمی»، فصلنامه رشد آموزش شیمی، شماره ۹: ۹۶.
۳۸. ملکی، حسن و مجید حبیبی‌پور (۱۳۸۶). «پرورش تفکر انتقادی هدف اساسی تعلیم و تربیت»، نوآوری‌های آموزشی، ۶ (۱۹): ۱۰۸-۹۳.
۳۹. موسوی، یعقوب (۱۳۸۱). «الگوهای معرفتی اجتماعی توسعه و موانع توسعه علوم اجتماعی جدید»، مجله علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)، شماره ۴۴ و ۴۵: ۲۶۰-۲۳۱.
۴۰. میرمنتهایی، مجید و علی اصغر مصدق (۱۳۷۱). علوم جدید در تفکر نواندیشان ایران عصر ناصری (۱۳۱۳ - ۱۲۶۴ ق)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی.
۴۱. نوشادی، ناصر و محسن خادمی (۱۳۸۹). «بررسی و سنجش میزان اندیشه انتقادی دانشجویان و مدرسان رشته مطالعات اجتماعی مراکز تربیت معلم ایران»، دوفصلنامه مطالعات آموزش و یادگیری، شماره ۵۸: ۱۴۱.
۴۲. وقارسیدین، ابوالفضل و همکاران (۱۳۸۷). «تأثیر راهبرد پرسشگری متقابل هدایت شده در گروه همتایان بر مهارت‌های تفکر انتقادی و آگاهی فراشناختی دانشجویان پرستاری»، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ۸ (۲) (پیاپی ۲۰): ۳۴۰-۳۳۳.

ب) منابع لاتین

1. Blondy, Laurie C. (2011). "Measurement and Comparison of Nursing Faculty Members", Critical Thinking Skills Western Journal of Nursing Research, March 2011, vol. 33, 2: 180-195.
2. Cody, William K. (2002). "Critical Thinking and Nursing Science: Judgment, or Vision?",

- Nursing Science Quarterly, July, vol. 15, 3:184-189 .
3. Dixon, Felicia, Jerrell Cassady, Tracy Cross, and David Williams (2005). "Effects of Technology on Critical Thinking and Essay Writing Among Gifted Adolescents", *Prufrock Journal*, vol. 16, 4: 180-189 .
 4. Hicks, Frank D. (2001). " Critical Thinking: Toward a Nursing Science Perspective", *Nursing Science Quarterly*, January, vol. 14, 1: 14-21 .
 5. Garratt, John, Tina Overton, Jane Tomlinson, and Doug Clow (2000). "Critical Thinking Exercises for Chemists: Are they subject-specific?", *Active Learning in Higher Education*, vol. 1, 2: 152-167 .
 6. Gold, Jeff, David Holman, and Richard Thorpe (2002). "The Role of Argument Analysis and Story Telling in Facilitating Critical Thinking". *Management Learning*, vol. 33, 3: 371-388 .
 7. Helsdingen, Anne S., Karel van den Bosch, Tamara van Gog, and Jeroen J. G. van Merriënboer (2010). "The Effects of Critical Thinking Instruction on Training Complex Decision Making Human Factors", *The Journal of the Human Factors and Ergonomics Society*, vol. 52, 4: 537-545 .
 8. Holland Wade, Gail (1999). "Using the Case Method to Develop Critical Thinking Skills for the Care of High-Risk Families", *Journal of Family Nursing*; vol. 5, 1: 92-109.
 9. Johnson, Daniel C. (2011). "The Effect of Critical Thinking Instruction on Verbal Descriptions of Music", *Journal of Research in Music Education*, October, vol. 59, 3: 257-272 .
 10. Freeman, Lyn W. and Derek Welton (2005). *Critical Thinking and Complementary and Alternative Medicine Education at a Small University: Program Evolution and Lessons Learned*. *Complementary Health Practice Review*, January, vol. 10, 1: 45-55 .
 11. Moafian, Fatemeh and Afsaneh Ghani zadeh (2011). " Syrving the Relationship between Critical Thinking and Self efficiacy in English Student", *journal of education of skills of language*, 119 .
 12. Murphy Jo Anne (2012). (Home Health Care: A Place to Grow Students' Critical Thinking Behaviors Home Health Care Management & Practice; vol. 24, 2: pp. 67-72., first published on November 22, 2011 .
 13. Thompson, Cheryl W. (2010). "Teaching Critical Thinking to Nurses in a Ugandan Hospital Home Health Care", *Management & Practice*, August, vol. 22, 5: 319-324.
 14. Torff, Bruce and Edward C. Warburton (2005). "Assessment of Teachers' Beliefs about Classroom Use of Critical-Thinking Activities". *Educational and Psychological Measurement*, vol. 65, 1: 155-179 .



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی